



## سندی از دوره سلطنت محمد شاه و وزارت حاج میرزا آقاسی

پدیدآورده (ها) : نوایی، عبدالحسین

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: زمستان 1380 - شماره 44  
از 28 تا 31

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92346>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 16/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



# سنڌي از دورہ سلطنت محمد شاہ و وزارت حاج ميرزا آقاسي



## دکتر عبدالحسين نوایی

مختلف علمی دنیا، موجب شد که ما، هم در میدانهای جنگ و هم در اتاقهای مذاکره، در برابر اروپائیان مجهز به علوم و فنون جدید، در مانده شدیم و بابت نتیجه، تاوان سنگینی پرداختیم؛ من جمله، از دست دادن قسمتهایی در شمال، مثل: گرجستان، ارمنستان، ایروان، قفقیس و ... و در جنوب شرقی، ناحیه بلوچستان و سایر مسایلی از جمله آب هیرمند و ...! در هر حال، این عوامل، موجب شده است که در انتظار عامه مردم، دوران سلطه قاجاریه، دوران هرج و مرج و بی نظمی و اغتشاش و ناامنی و ... معرفی بشود. چنان که گویی مردم آن روزگار، هیچ گونه ضابطه و ضابطه ای را نمی شناختند و جز فساد و مادرستی، کار دیگری از آنان بر نمی آمد. در حالی که اسناد، صورت دیگری را نیز عرضه می کند و نشان می دهد که حساب و احتساب در کارها، حتی تا آنجا وجود داشته که گاهی اوقات نسبت به زنان و فرزندان خود، بسختی و اسماک و احیاناً با خشونت، در جهت مصالح و منافع عمومی مقابله می کردند و از مواخذه خویشان و نزدیکان خود نیز، در چنین مواردی، خودداری نمی کردند.

سیاست بین که می کردند از این پیش

نه با بیگانه، با دردانه خویش!

سنڌي که ذیلآ به نظر خوانندگان محترم می رسد، یکی از این گونه

دوره قاجاریه، با همه اهمیت آن، از لحاظ مسایل مختلف، آن چنان که شایسته انصاف و تحقیق است، مورد توجه قرار نگرفته است؛ حتی درباره آن، شدیداً نامهربانی و بی مهری روی داده، و این مطلب، بیشتر از آن لحاظ است که در زمان سلسله پهلوی و برای مقاصد سیاسی، کوشیده اند این سلسله را لکه دار و بدنام بکنند و تبلیغات شدید نامساعدی انجام گرفت؛ و ظاهراً افراد سلسله پهلوی، مشروعیت خود را در سرکوب یاد و خاطره قاجاریه می شمردند. چنین بود که از هیچ گونه اسناد و تهمت و افترايي نسبت به رجال قاجاری و خاندان سلطنتی قاجار، فروگذار نکردند. البته این مطلب نه این معنا نیست که افراد این سلسله، از قدامت بر خوردار بوده اند، و هیچ گونه خبثی و خطایی در این روزگار صورت نگرفته است. زیرا افراد این خانواده و این سلسله نیز، مانند افراد خاندان و سلسله های دیگر، انسانهایی جایز الخطا بوده اند که در طی حیات سیاسی و خصوصی خود، مرتکب خطاها و لغزشهای بسیار شده اند. امری که بیشتر موجب بی مهری شدید مردم به این سلسله شده است، از دست رفتن قسمتهای زرخیزی از کشور ماست. اما باید به این نکته توجه کرد که مدت چند قرن، ما تصور می کردیم که توجه به مسایل نظری، مستلزم رها کردن دانش ریاضی و مسایل فنی و پژوهشهای علمی جدید است! یعنی در زمینه هایی که ما، اساساً به آنها هیچ گونه توجهی نداشتیم! همین بی خبری از اوضاع علمی و بی اطلاعی از مسایل مورد نظر جوامع

استاد و موضوع آن نیز، چنین است که ملکه جهان خانم، ملقب به همده‌علیاه، همسر محمدشاه و مادر ناصرالدین شاه، خود از حاج میرزا آقاسی، که همه کاره کشور بوده است، کتباً تقاضاهایی کرده و حاجی هم، یا به این دلیل که نمی‌دانسته در این مورد، نسبت به زن و

فرزند شاه قاجار، چه تصمیمی بایستی اتخاذ می‌کرد، یا صرفاً به جهت حفظ احترام ولینعمت خویش، خلاصه آن درخواستها را به نظر محمدشاه و سانیده و محمدشاه، نظر دقیق و قاطع خود را، در برابر هر یک از آن مستدعیات، نوشته است:

اینک متن سند: (۱)

## مطالب نواب مستطاب ولیعهد دولت بی‌زوال به جناب حاجی، به نظر همایون برسد

۱. در باب سلیمان خان (۲) و عیسی خان (۳)، که مقرر می‌گردد آنها کم است و کفاف خرج ایشان را نمی‌کند. زیاد شود.

جواب: همان که دارند، هنوز زیاد است. پستان است. از عموهای (۴) ما، از شاهزاده‌ها که بیشتر نخواهند بود.

۲. والده سرکار (۵) به جهت نرسیدن مقرر مواجب سنوات ماضیه و مخارج ارباب نوبت و تکلف، که به مردم می‌تواند. قریب ده هزار تومان مقروض شده، فراری در قرض ایشان داده شود.

جواب: اگر خرج بیهوده نکنند که ما ضامن نیستیم. آنچه مواجب دارند، آن، اگر نوبیده، واجب است که برسد و برسانیم.

۳. علاوه بر مقرری والده سرکار، به جهت مخارج اتفاقیه، چیزی منظور و مرحمت شده، از بابت استعوائی دهات. آردی این بند، خط توقین (۶) کشیده شده است.

۴. در باب تیوک والده سرکار، دیدهر (۷) خوب نیست. مشکین مرحمت شود. جواب: مشکین، دور است و سرحد و جای ایلات. البته دیدهر، بهتر است. آن عیبها را ندارد.

۵. مواجب عمه سرکار، درست نمی‌رسد. طوری قرار بفرمائید برسد. جواب: بهتر از تیوک، دیگر چه قرار است در دنیا؟! همه مواجب را که تیوک داده‌ایم.

۶. مواجب محمودبیک صندوقدار، کم است، زیاد شود. جواب: برای محمود؟ به خدا قسم به خورجانی هم قابلیت ندارد! خط توقین بر روی آن کشیده شده.

## مطالب والده نواب ولیعهد، که به جناب حاجی نوشته

۷. قرار آمدن من و نواب ولیعهد را به دارالخلافه، بگذارید (۸) بعد از مراجعت موکب قبله عالم در سال آینده از سفر. جواب: بسیار خوب.

۸. نوکرهای ولیعهد، که فرمان و منصب دارند، خانه خودشان خوابیده، به درخانه نمی‌آیند، حکم شود بیایند، مشغول خدمت شوند. جواب: خیلی خوب، والا مواجب نگیرند. همه مواجیشان قطع شود.

۹. فراری در باب گذران خود نواب ولیعهد بدهید. دیگر من، نمی‌توانم متحمل اخراجات او شوم.



اجواب ۱: تفصیل آنچه برای والدہ ولعهد و خودش مقرر است، از قبول و غیرتبول، درست پی کم و کاست بنویسید، جواب بدعم.

۱۰. در باب سلیمان خان و عیسی خان که مواجیشان زیاد شود.

اجواب ۱: استغفر... اخط ترفین کشیاء شده.

ادر حاشیه و داشتن عخط ترفین: کاغذ نواب قهرمان میرزا، در باب سلیمان خان و زیادی واجب. کاغذ خود سلیمان خان، درین باب... (تاتمام) اسناد شماره ۱/۳۷۷/۲۵۹. سازمان اسناد ملی ایران

### مهد علیا همسر محمد شاه و مادر ناصرالدین شاه قاجار

#### پی نوشت ها:

۱. در سند، سطر اول، به معنای در خواست ولعهد یا مادر نوست و سطر بعد از آن، پاسخ شاه است.

۲. سلیمان خان معروف به خان خانان، برادر مهدعلیاست، یعنی برادر زن محمدشاه.

۳. عیسی خان اعتمادالدوله، برادر مهدعلیا بود. عباس میرزا ملک آرا، که فرزند هجرت محمدشاه از بطن خدیجه خانم کرد و از اهالی چهریق بود، در خاطرات خود، در صفحه اول یادداشتهاش، به ازبکاتی بین مهدعلیا و این برادر اشاره کرده که قلم از دایره ان شرم دارد، و به نظر می آید که سستی، ناشی از کینه و نفرت او نسبت به زن پدرش باشد. مهدعلیا نیز، متفاناً درباره این پسر شوهر، از هیچ گونه سختی و خشونت خودداری نکرده و حتی ثاباتی مرگ، یا لاقول کوری او، ایستاده بود.

۴. منظور از عموها، پسران فتحعلی شاه است.

۵. مهدعلیا.

۶. قسمتی که مورد برافقت شاه شده، خطی به صورت عدد نه روی آنها کشیده است. این خط راه گاه به همین صورت، خط نه یازده می گفتند و خط ترفین نام داشته است. بهار، در این مورد، ابیاتی دارد که از آن چنین:

دو بهار وزین سخنان، امروز  
بر سخنوران، خط ترفین زن

لاظفر نام ناحیه‌ای بوده است که امروزه وجود ندارد و بایه واسطه آن که این کلمه به طور واضح نوشته نشده بود، خواندن آن، براحتی میسر نبود.

۸. براساس ضابطه سنت قاجاری- ناصرالدین میرزا به عنوان نماینده شاه قاجار، در تفریز حکمران بود و مادرش نیز، برای سرپرستی تنها پسر خود، او را همراهی می کرد. اسناد دیگری، نشان می دهد که چون ناصرالدین میرزا کودک بود، مهدعلیاء از طرف او به حل و فصل امور می پرداخت. صورت کاملی از این اسناد، توسط نگارنده این سطور بازخوانی و تحریر شده و به همراه تعلیقات و توضیحاتی، آماده چاپ است که امید می رود هر چه روزی به پیشگاه اهل تحقیق تقدیم شود، در این اسناد، از مهدعلیا دو سجع مهر، با این عبارات آمده است: امین مادر ناصرالدین شهم  
اولیهد شاه را، مهین مادرم.

کتاب فہرست و کتاب نردان نامہ

دالہ دارنگار گزشتہ سہ سال	کتابت بیان جان و حیات و عقل
در حقیقت است و غیره و جامع از باب	کتابت کلاسیک و فنی
ترجمہ و کشف و ہمام و غیره	کتابت زوئیہ
در ہزارگانہ و غیرہ و قابل تحقیق	کتابت ہزارگانہ و غیرہ
انہی ہزارگانہ و غیرہ	کتابت ہزارگانہ و غیرہ

کتاب ترقی دالہ دارنگار و غیرہ	کتابت ہزارگانہ و غیرہ
کتابت فنی و غیرہ	کتابت فنی و غیرہ
کتابت فنی و غیرہ	کتابت فنی و غیرہ

کتاب ترقی دالہ دارنگار و غیرہ	کتابت ہزارگانہ و غیرہ
کتابت فنی و غیرہ	کتابت فنی و غیرہ

کتاب ترقی دالہ دارنگار و غیرہ	کتابت ہزارگانہ و غیرہ
کتابت فنی و غیرہ	کتابت فنی و غیرہ

کتاب ترقی دالہ دارنگار و غیرہ	کتابت ہزارگانہ و غیرہ
کتابت فنی و غیرہ	کتابت فنی و غیرہ

کتابت فنی و غیرہ

کتابت فنی و غیرہ

کتابت فنی و غیرہ

